

# آب خاک ما یک

مجله علمی، اقتصادی و فناوری

شماره ۸ بهمن‌ماه ۱۳۷۴

تعداد ۱۳ شماره

دوره ۱۳

- تحلیل و تخلیه روستاهایک معضل بزرگ
- گرایش کیفیت منابع فیزیکی آب و خاک به شوری
- از گات چه می‌دانیم

## تحلیل و تخلیه روستاها: یک معضل بزرگ در فرآیند توسعه

دکتر اسماعیل شهبازی

منابع طبیعی زمین، آب، جنگل و مرتع که شرایط اولیه برای تولید در کشاورزی رامپه‌ام سازند، اغلب در حال فرسایش، تحلیل و بی‌امحاء قرار دارند. کوچکی و پراکندگی و دوری قطعات مورد کشت و کاره‌خانواری کشاورز منابع عمده‌ای در جریان به‌کارگیری روشهای پیشرفته و مکانیزه تولیدات در کشاورزی است. به دلیل عدم دسترسی مولدان روستایی به منابع پژوهشی و نوآوری‌های متناسب، مفید و موثر، اغلب مولدان کشاورزی هنوز هم با اتکال بروشهای سنتی کم‌بازده به انجام عملیات زراعی و دامپروری ادامه می‌دهند.

در نتیجه این سلسله علل و عوامل تبعی‌دیگر، در حال حاضر روند کاهش اشتغال، و لذا نزول میل به ادامه زندگی در مناطق روستایی مشهود است. بروز و رشد این علل و عوامل، توأم با کم‌توجهی و بعضاً «بی‌توجهی» سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه برای پیش‌بینی و تدارک خدمات فنی و ارائه تسهیلات فرهنگی و امکانات رفاهی به اعضای جوامع مستقر در روستاهای کوچک و پراکنده، زمینه‌های لازم برای تحلیل جمعیت روستایی، و در مواردی تخلیه و در نتیجه، امحاء روستاها را جداً به وجود آورده است. در این مضاف بر پیامدهای متنوع فرهنگی و آثار زیانبار اجتماعی برای کل جامعه، زنگ خطری در تهدید امنیت اقتصادی کشور است که از سال‌های پیش به صدا درآمده است، ولیکن هنوز به درستی به توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ملی درک نشده، یا آنچنان که می‌باید درک نشده است، و لذا برای دفع و یا تخفیف آن هم اندیشه و اقدام بایسته‌ای صورت نگرفته است.

باین سرفااز، ارائه تعریفی، هرچند مجمل، از واژه‌های «روستا» و «آبادی» برای پیگیری بحثی که در پیش است، مفید به نظر می‌رسد.  
در یک تعریف جامع برای «روستا» بیان می‌شود که:



روستازیستگاه جماعتی از مردم در خارج از محدوده شهرهاست که با مشخصات معین و به عنوان جامعه‌ای مستقل و دارای هویت‌های خاص فرهنگی، تاریخی، اقلیمی، جغرافیایی و اقتصادی، با تکیه بر نظام رهبری و مدیریت محلی، عرصه فعالیت‌های کشاورزی است (۲، ص ۱۵) و در یک تعریف برای «آبادی» بیان می‌شود که:

هر محل سکونت و یا هر مکان انجام وظیفه و یا هر مقرر ارائه خدمات، از قبیل کارخانه، کارگاه، مغازه، قهوه‌خانه، کاروانسرا، گاراژ، تعمیرگاه، مسجد، پاسگاه، مدرسه و یا به طور کلی، هر جایی که در آن نشان از حضور ثابت انسان برای سکونت یا اشتغال (به صورت انفرادی و یا اجتماعی) در خارج از محدوده شهرها و روستا باشد، حتی اگر مردم ساکن در آنجا دارای فعالیت‌های کشاورزی و یا اشتغالات مرتبط به کشاورزی هم نباشند «آبادی» نامیده می‌شود (۲، ص ۱۰).

پس از ذکر این تعاریف نمونه، در مورد واژه‌های روستا و آبادی و مقایسه آنها بر مبنای این تعاریف، اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که آبادی الزاماً محل استقرار و انجام فعالیت‌های کشاورزی نیست و می‌توان پایگاه خدمات عمومی، انتظامی، فن، آموزشی، بهداشتی و صنعتی و غیره

باشد، و لذا افزایش تعداد آبادی‌های کشور الزاماً نمی‌تواند معرف افزایش تعداد روستاها و یا مبین توسعه کشاورزی و رونق زندگی روستایی باشد.

به دنبال این مقدمه، انجام یک بررسی اجمالی از میزان تغییرات به وجود آمده در تعداد روستاهای ایران مفید است. برحسب یک برآورد آماری

(۳، ص ۱۷) جمعیت ایران در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی به تعداد ۷۶۵۲۰۰۰ نفر بوده است که از این تعداد ۱۹۶۲۰۰۰ نفر (۲۶ درصد) شهری و ۳۷۸۰۰۰ نفر (۲۹ درصد) روستایی و ۱۹۱۰۰۰۰ نفر (۲۵ درصد) جمعیت عشایری (متحرک چادرنشین) بوده‌اند. در این مورد که جمعیت ۳۷۸۰۰۰۰ نفری روستایی در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی درجه تعدادی از روستاهای این کشور مستقر بوده‌اند، آماردقیقی در دست نیست. ولیکن آمار رسمی مربوط به سرشماری سال ۱۳۳۵ هجری شمسی نشان می‌دهد که قریب به ۳۹۰۹۹ دهه دارای جمعیت بیش از ۵۰ نفر و قریب ۹۹۵۵ دهه کمتر از ۵۰ نفر جمعیت و یا مجموعاً ۲۹۰۵۲ روستای دارای سکنه در سال ۱۳۳۵ در ایران وجود داشته است (۳، ص ۹۵). تغییر در تعداد روستاهای ایران در دوره‌های آماری مختلف را در جدول شماره یک می‌توان ملاحظه نمود.

جدول شماره یک - روند تغییر در روستاهای ایران طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۷

تغییر در تعداد کل روستاهای کشور *	۱۳۳۵	۱۳۳۵	۱۳۵۵	۱۳۶۷
تعداد کل روستاهای دارای سکنه در تعداد روستاهای دارای سکنه	۲۹-۵۲	۲۲۳۹۲**	۶۵۱۲۲**	۶۲۰۵۸***
سال منتهی	سال منتهی	سال منتهی	سال منتهی	سال منتهی
تعداد آبادیهای خالی از سکنه در تعداد افزایش آبادیهای خالی از سکنه	-	-	۲۰۲۶****	۲۲۲۱۱****
سال منتهی	سال منتهی	سال منتهی	سال منتهی	سال منتهی

\* منبع: (۲، ص ۱۶) \*\* منبع: (۱، ص ۷)

\*\*\* منبع: (۵، ص ۲۶۸) \*\*\*\* منبع: (۶، ص ۶)

ت آمار در دسترس نیست.

فاصله دو ساله، متجاوز از ۵ درصد از تعداد روستاهای دارای سکنه کشور کاسته شده است (۲، ص ۱۵). این آمار، محو تعداد ۳۳۲۱ روستای دارای خاتوار بهره‌بردار (دارای سکنه) در فاصله سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۷ را به وضوح نشان می‌دهد. و این هم در حالی است که آمار متفرج در

مقایسه آمار متفرج در جدول بالا نشان می‌دهد که تعداد روستاهای دارای سکنه کشور از ۲۹۰۵۲ روستا در سال ۱۳۳۵ به ۶۵۳۹۹ روستا در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته، در حالیکه در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷، تعداد آنها به ۶۲۰۵۸ روستا کاهش پیدا کرده است. یعنی در این



اظهار می‌شود از:

۲۵۰ خانوار سکنه روستای خلونساو ۷ خانوار.
۱۲۰ خانوار سکنه روستای اشقلو ۱۳ خانوار.
۳۸ خانوار سکنه روستای خشتلو ۱ خانوار.
۷۰ خانوار سکنه روستای پیوروندرق ۶ خانوار.
۱۷۵ خانوار سکنه روستای صمصام گندی ۹ خانوار.
۸۰ خانوار سکنه روستای دیکلو ۱۶ خانوار.
۹۰ خانوار سکنه روستای موشور آباد ۱۲ خانوار.
۳۳۵ خانوار سکنه روستای قیره‌بلاغ ۲۲ خانوار. و از
۱۴۰ خانوار سکنه روستای موشک آتیر لفظ ۱۱ خانوار.

در روستای خودیاقی مانده‌اند (۷، ص ۷). وی، طی بررسی‌های انجام شده در زمستان همان سال در مناطق روستایی استان زنجان (۲، ص ۲۵)، به عنوان نمونه معلوم شد که:



روستای چوخ بلاغ که قبلاً دارای ۵۰ خانوار سکنه بود، به ۵ خانوار تقلیل یافته است.
روستای تودار که قبلاً دارای ۵۰ خانوار سکنه بود، به ۲ خانوار تقلیل یافته است.
روستای زرگران که قبلاً دارای ۵۰ خانوار سکنه بود، به ۵ خانوار تقلیل یافته است.
روستای حمزه‌خان که قبلاً دارای ۲۵ خانوار سکنه بود، به ۱۲ خانوار تقلیل یافته است.
روستای مقانلو که قبلاً دارای ۶۰ خانوار سکنه بود، به ۳۵ خانوار تقلیل یافته است.
روستای قشلاق که قبلاً دارای ۸۵ خانوار سکنه بود، به ۳۰ خانوار تقلیل یافته است.
روستای قاسم آباد که قبلاً دارای ۴۰ خانوار سکنه بود، به ۲۵ خانوار تقلیل یافته است.
روستای توت آقاجه که قبلاً دارای ۱۲ خانوار سکنه بود، به ۲ خانوار تقلیل یافته است.

مطمئن محلی در جریان این بررسی‌ها، از روستاهای محمود آباد، کارلو، بکحاج، قزل، قشلاق، کیشی خان، سیاه‌خانه، و جهان قیری هم یاد می‌کنند، که اکثراً در سال‌های اخیر خالی از سکنه شده‌اند. درباره تحلیل تعداد خانوارها و تخلیه روستاها، نظیر همین اظهارات در

ردیف دوم جدول بالا نشان می‌دهد که تعداد آبادی‌های بدون خانوار بهره‌بردار (خالی از سکنه) از ۲۰۲۶ آبادی در سال ۱۳۵۵ با افزایش متجاوز از ۸۵۳ درصد، به ۳۸۵۷۵ آبادی در سال ۱۳۶۵ رسیده است، و این نیز یامتجاوز از ۹ درصد افزایش به ۲۲۲۱۱ آبادی بدون خانوار بهره‌بردار در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته است.

هرگاه به قصد آزمون مساله محو تعداد ۳۳۲۱ روستای دارای سکنه در فاصله سالهای ۶۵ تا ۶۷، تعداد آبادی بدون خانوار بهره‌بردار (خالی از سکنه) در فاصله همین سالها (۶۵ تا ۶۷) مورد توجه قرار گیرد، آمار مندرج در ردیف دوم جدول بالا نشان می‌دهد که این تعداد از ۳۸۵۷۵ آبادی در سال ۱۳۶۵ به ۴۲۲۱۱ آبادی در سال ۶۷ تغییر یافته است. یعنی تعداد ۳۶۳۶ آبادی بدون خانوار بهره‌بردار (روستاها یا خالی از سکنه) به آبادی‌های بدون سکنه کشور اضافه شده است. مقایسه تفاوت رقم ۳۳۲۱ روستای دارای سکنه محو شده از رقم ۳۶۳۶ آبادی خالی از سکنه اضافه شده در فاصله سال‌های ۶۵ تا ۶۷، می‌تواند حاکی از اضافه شدن ۲۹۵ مزرعه یا آبادی غیرمسکونی در همان زمان، یا تحلیل آنها در شهرهای مجاور، یا تبدیل آنها به شهرهای جدید، یا وجود مغایرت در تعریف روستا و آبادی، یا خطای آمار برداری در جریان سرشماری، و یا هملی و عوامل دیگری باشد، که در هر صورت استناد به رقم ۳۳۲۱ مبین جریان تحلیل، تخلیه و امحاء روستاها و نتجتاً، تقلیل تعداد روستاهای دارای سکنه کشور طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ بوده است (۲، ص ۱۵).

و در حال حاضر هم، آثار، شواهد و مشاهدات مستقیم در مجموع، مبین این واقعیت تلخ است که روند تحلیل، تخلیه و امحاء روستاها کماکان ادامه دارد. از لحاظ آماری، با توجه به مقایسه‌ای که از تفاوت تعداد روستاهای محو شده (۳۳۲۱) با تعداد آبادی‌های اضافه شده (۳۶۳۶) به عمل آمده، به طور کلی می‌توان اظهار داشت که هرچه از تعداد روستاهای دارای سکنه کاسته می‌شود، عمدتاً به تعداد آبادی‌های بدون خانوار بهره‌بردار اضافه می‌گردد. همین هم می‌تواند مبین تحلیل و تخلیه روستاهای موجود و تبدیل آنها به آبادی‌های بدون خانوار بهره‌بردار (بدون سکنه)، و در واقع به معنی مهاجرت روستاییان به سایر نقاط باشد.

از جمله این آثار و شواهد، به عنوان نمونه می‌توان به استنادات یک نامه در آبانماه سال ۱۳۷۲ در مورد تحلیل تعداد خانوارهای روستایی در یکی از مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی اشاره کرد که طی آن

مصاحبه با مطلقین روستایی در استان همدان نیز جمع آوری گردیده است (۲، صص ۲۵ و ۲۶) و مسلماً در مورد خیلی از دیگر استان‌های کشور هم می‌توان اقدام به جمع آوری اطلاعات جامع‌تری در این زمینه نمود. به منظور تعمق بیشتر در مساله تحلیل، تخلیه و امحاء روستاها، ذیلاً به عمده‌ترین علل و عوامل مربوط به این پدیده زیانبار و تهدید کننده اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور در حال و آینده، به اجمال اشاره می‌گردد:

**۱- فرسایش منابع ارضی.** عمده‌ترین علت تحلیل یک روستای موجود مربوط به فرسایش اراضی به طور اعم، واز بین رفتن تدریجی حاصلخیزی لایه زراعی خاک در مزارع به طور اخص است.

فرسایش اراضی زراعی و کاهش حاصلخیزی به علت‌هایی مثل آبیاری‌های بی‌رویه، شخم در جهت شیب تند اراضی، وقوع سیل و طوفانهای ممتد بر اراضی بدون پوشش گیاهی، و استمرار فرسایش بادی و به دنبال آن ظهور و تشدید پدیده کویرزایی به علت محو پوشش گیاهی و نبود مانع و بادشکن در اطراف مزارع، از جمله علل و عوامل مهمی هستند که امکان بهره‌برداری موثر از اراضی زراعی موجود و مستعد را روز به روز کاهش می‌دهند و همین هم مقدمه سقوط تدریجی رونق کشت و کار در اراضی آبی و دیم در مناطق مختلف کشور شده و می‌شود. اینها، مضاف بر عوامل حادثه‌تری از قبیل سیل و طوفانهای مهی است که اراضی جنگلی و مرتعی در آبخیزهای کشور را همواره در معرض تهدید و صدمه خود دارد. بدین ترتیب، اراضی روستا و یاروستاهای واقع در معرض این گونه پدیده‌ها مندرجاً تحلیل رفته و لایه متشکله خاک حاصلخیز آنها در نهایت محو می‌شود (۲، ص ۸).

**۲- دومین علت تحلیل بعضی از روستاها که در برخی از موارد مهمترین علت هم تلقی می‌گردد، مربوط به قطع و یا کاهش آب**

**زراعی آنهاست.** در بعضی از مناطقی که حتماً به هرلی یک یا تعدادی از روستاها به علت ایجاد سد های بزرگ برای تامین آب زراعی مناطق دیگر، یا به منظور تامین آب آشامیدنی شهرها و تولید برق به طور کلی قطع یا شدیداً کاهش می‌یابد، و یا در مناطقی که به علت حفر چاههای عمیق بدون مجوز و زاید بر ظرفیت آبدی، سفره آب زیرزمینی دچار کمبود ذخیره آب به خصوص در نصول زراعی می‌شود، فعالیت‌های زراعی و باغبانی و دامپروری به تدریج روبه کاهش می‌رود و بی رونق می‌شود، و نتیجتاً در مرحله اول، تعداد زیادی از خانوارهای خوش نشین، و در مراحل بعدی خیلی از دهقانان صلیبکار و دههم - بر و حتی

کشاورزان صاحب نسق، چاره‌ای جز ترک کشت و کار در مزارع خود و مبادرت به مهاجرت‌های فصلی و دائمی در جستجوی کار نمی‌بینند، و همین هم مقدمه‌ای بر تحلیل جمعیت روستایی و درموازه‌ی تخلیه و غیرمسکون شدن روستا شده و می‌شود.



### **۳- فرسایش اراضی و کاهش میزان آبدی منابع آب، نوسام**

**باعدم فرصت اشتغال جنسی در روستا.** این هم سومین علت

تحلیل روستا در شرایطی است که ترکیبی از عوامل مذکور در موارد ۱ و ۲ بالا پدید آید - یعنی خاک در حال فرسایش و آب زراعی در حال کاهش باشد، و همزمان با وقوع تدریجی این دو پدیده، امکان ایجاد توسعه هیچگونه اشتغال جنسی در زمینه‌های کشاورزی و غیر کشاورزی در روستا و یا در منطقه روستایی مربوط وجود نداشته باشد. در این حالت است که جمعیت شاغل در فعالیت‌های کشاورزی به علت بروز محدودیت در توسعه و تداوم فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌آفرینی مرتبط به کشاورزی، و در عین حال عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال‌زا در روستا، و در نتیجه به وجود آمدن بیکاری‌های آشکار و پنهان، ناگزیر چاره‌ای جز ترک روستا به صورت مهاجرت‌های فصلی و یا دائمی ندارند، که این هم یک عارضه دیگر در تشدید پدیده تحلیل و تخلیه روستا تلقی می‌گردد.

**۴- امحاء عمدی روستا.** در شرایط اضطراری گاهی ضرورت ایجاد

می‌نماید که یک یا چند روستا خالی از سکنه شوند. مثل مناطقی که برای دریاچه سد های بزرگ در نظر گرفته می‌شوند و روستاهای واقع در آن محدوده ناگزیر بیز آب می‌روند، یا روستاهای واقع در مسیر پامسیر رانش کوه در مواضع زلزله خیز، یا روستاهای واقع در مسیر ریزش کوه‌های سنگی و یا در مسیر سیل‌های مکرر، که نمونه‌هایی از این قبیل



پدیده‌های زیانبار در دهه‌های اخیر در مناطقی از ایران رخ داده‌است، و باعث امحاء روستاهای متعددی از کشور شده است. حالات دیگر از این قبیل، روستاهای واقع در نقاط مرزی و یا مناطق ناامن جنگی است که به علت اضطراب سیاسی و نظامی، سکنه‌ی آنها بطور موقت و یا دائماً از روستاهای خود تخلیه و به مناطق دیگر کوچ و اسکان داده می‌شوند.

یک حالت عمده‌ی ولی نادر دیگر از تخلیه و محو عمده‌ی روستاها مربوط به تمهیداتی است که برخی مالکین در جریان اصلاحات اراضی سال ۱۳۴۱ به منظور فرار از شمول مرحله اول اصلاحات اراضی انجام داده، مبادرت به امحاء روستاهای اقماری و مزارع دارای سکنه روستاهای «ساده» کرده‌اند. در سالهای بعد از ۱۳۴۱ نیز در برخی از روستاهایی که روستاییان صاحب نسق زراعی به سبب مذکور در بسنده‌های ۱، ۲ و ۳ و روستاهای خود را تخلیه کردند، مالکین و یا اجاره‌داران شهری و یا دادطلبانی از روستاهای همجوار، اراضی این قبیل روستاها را تملک و یا اجاره کرده، به صورت مزارع مکانیزه جوار روستاهای دیگر درآورده، موضوع مسکوونی تخلیه شده روستاهای قدیم را به تدریج محو کرده‌اند.

به هر صورت، در طول زمان بنا بر همل گوناگون و بطور اضطرابی یا «فورس مانوره» یا بنا بر تجویز قانون و یا هرگونه عمده دیگر، بعضی از روستاها تخلیه و محو می‌گردند، اگرچه وقوع این حالات ندرتاً اتفاق می‌افتد.

### ۵- رونق اقتصادی، در شرایط فقدان امکانات و تسهیلات رفاهی

**در روستاها:** یک عامل مؤثر بر تحلیل جمعیت روستایی در بعضی از روستاها، افزایش درآمدهای کشاورزی در بین روستاییانی است که روستاهای آنان از جهات دسترسی و بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات مواصلاتی، ارتباطی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و رفاهی در فقر و یا محرومیت نسبی بسر می‌برند. این بدین معنی است که کشت و کار و دامداری در بعضی از روستاهای کوچک دور افتاده ولی غنی و حاصلخیز از حیث وجود آب و خاک و مرتع، به علت استفاده از نهاده‌های «پریازده» در دهه‌های اخیر، پر رونق بوده‌است و روستاییان از بهره‌های قابل ملاحظه‌ای در هر سال سود برده‌اند. و این در حالیتی که این قبیل روستاییان باوقد قدرت خرید بالا، امکان هزینه کردن درآمدهای اضافی به منظور تأمین زندگی سرلته‌تری برای خانواده خود در روستاهای دور افتاده را بدست نمی‌آورند. و پایه علت عدم و یا کامل نبودن واحدهای آموزشی در روستاهای کوچک و دور افتاده،

روستاییان برای ادامه تحصیلات فرزندان خود ناگزیر آنان را به شهرهای همجوار می‌فرستند. در چنین شرایطی است که بعضی از خانواده‌ها با استفاده از تقدیمات‌های انباشته خود، مبادرت به خرید خانه و مغازه در شهرهای همجوار کرده، مستیلاً روستای خود را ترک و به دنبال دستیابی و بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات نسبی بیشتر، مهاجرت‌های فصلی یا دائمی را بر می‌گزینند. یادآور می‌شود، از موانع، اداره امور کشاورزی خود را به یکی از اعضای خانواده سپرده، یا به صورت فصلی اداره می‌نمایند، و یا مزرعه را به اجاره واگذار می‌کنند و راهی شهرها می‌شوند. که در هر صورت، جمعیت فعال در انجام فعالیت‌های متنوع کشاورزی و مستقر در روستاها تحلیل می‌رود. اگرچه آثار ظاهری و مقاصد اصلی این پدیده قابل رویت و درک نمی‌باشند، و طبعاً ایات وجود چنین پدیده‌هایی هم مستلزم بررسی‌های دقیق جامعه‌شناختی است، ولیکن این حالت را می‌توان به عنوان یک پدیده مفروض در تشدید مهاجرت نیروهای تولیدی فعال روستاها به شهرها، آنهم به علت فقدان امکانات رفاهی و تسهیلات فرهنگی، جدأ مورد توجه و مذاکره قرار داد.

در همین رابطه، در عین حال هم می‌توان اظهار داشت در شرایطی که پدیده رشد مضایف جمعیت در یک روستا همواره با رکود تولید در کشاورزی عارض می‌گردد و یا برعکس، همین پدیده رشد مضایف جمعیت، توأم با رونق تولید به وجود می‌آید، باز هم موجبات مهاجرت، هم در خانوارهای تنگدست، و هم در بین خانوارهای پردرآمد، همراه با هم و حتی در محدوده یک روستای واحد، فراهم می‌شود.

و در این حالت است که می‌توان چنین استنباط کرد که هم در صورت رکود فعالیت‌های کشاورزی (برای خانوارهای کم درآمد و فقیر روستایی)، هم در صورت رونق وضع اقتصادی (برای خانوارهای پردرآمد و غنی روستایی)، مهاجرت جمعیت روستایی یک روند محتوم است. یعنی هم خانوارهای فقیر روستایی و هم خانوارهای غنی روستایی، هر دو گروه اقدام به ترک روستا می‌کنند، در حالی که نیت هر گروه با گروه دیگر متفاوت است - یکی به قصد کسب درآمد برای ارتزاق و تداوم زندگی «بخور و نمیره» خود، و دیگری به قصد بهره‌مندی بیشتر از تسهیلات و مواهب زندگی امروز به صورت‌های متناسب با وضعیت خود، مبادرت به مهاجرت می‌کنند. این پدیده در هر صورت، تحلیل جمعیت روستایی است که پیامدهای محتوم آن، مثلاً تخلیه روستاها می‌باشد.





## ۶- **نیفات محتوم اصلاحات ارضی.** این عامل مشتمل بر آثار تغییرات

و تحولات ناشی از اجزای مراحل مختلف اصلاحات ارضی بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق روستایی است. و از آثار این قبیل تحولات می‌توان از اختلال در مدیریت روستا، معرفی نظام‌های جدید بهره‌برداری (شرکت‌های دولتی کشت و صنعت، شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های تعاونی تولید)، ولیز از توسعه بی‌رویه مکانیزاسیون نام برد، که در مجموع موجبات بینکاری و تشدید مهاجرت خانوارهای زیادی را سبب گردیده‌اند.

## ۷- **بروز و تشدید اختلافات محلی.** بروز این عامل ناشی از عدم

ایجاد یک نظام رهبری و مدیریت ثابت در غیاب مالکین سابق برای حل و فصل اختلافات نوظهور پس از اجرای مراحل مختلف اصلاحات ارضی است. مطابق رسوم و سنتهای بومی، هریک از کشاورزان صاحب نسق برای استفاده از منابع موجود در روستا (به خصوص زمین، آب و مرتع) برای خود از حقوق ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. از آغاز اصلاحات ارضی تاکنون، در بعضی از مناطق روستایی به علت عدم هماهنگی در مدیریت و بهره‌برداری از این قبیل منابع، اختلافاتی بین روستاییان صاحب نسق باهم، یا بین روستاییان صاحب نسق با روستاییان «خوش نشین» (باغدار، دامدار و رعمه‌گردان بدون زمین زراعی)، و حتی در مواردی بین مجموع همین روستاییان با عشایر و بیابانگرد مالکین صاحب اراضی و باغهای مستثنی از قانون اصلاحات ارضی بروز کرده، و دامنه این قبیل اختلافات (و گاهی هم مشاجرات) بین آنها منحصری بالا گرفته است که در بعضی موارد تعدادی از روستاییان اشتغال خود را تغییر داده، و یا خیلی از خانوارهای روستایی به اجبار منابع و امکانات تولیدی خود در روستا را رها و پایه نحوی برای بهره‌برداری به دیگران واگذار و به مناطق دیگر مهاجرت کرده‌اند. این عارضه نه تنها متجر به کاهش حجم تولید در روستاها شده، بلکه تحلیل و تخلیه تدریجی روستاها را نیز به دنبال داشته و دارد. در عین حال، رکود فعالیت‌های اقتصادی و کاهش رونق زندگی در جامعه روستایی که بدین علت پدید می‌آید، به خودی خود پایه بی‌میلی روستاییان و به ویژه جوانان روستایی برای تداوم زندگی در روستاها شده و می‌شود.

علاوه بر هفت مورد حل و عوامل کلی مفروض بر تحلیل و تخلیه و امحاء روستاها که به اجمال مورد بحث قرار گرفتند، و چسبگی هم منتسب به تحولات «رون روستا» بودند، اینک می‌توان به آثار دو عامل «برون از روستا» نیز اشارتی مجمل داشت. اولین عامل مربوط به

افزایش روز افزون جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی برای اشتغال در شهرها و زندگی شهرنشین است. گسترش مداوم فرصت‌های اشتغال، و انهم عمدتاً از نوع خدماتی آن، توأم با افزایش نسبی امکانات بهداشتی و آموزشی و فرهنگی و در عین حال، توسعه تسهیلات رفاهی زندگی در شهرها، در مجموع میل به مهاجرت در روستاییان محروم از این امکانات و تسهیلات را تشدید می‌نماید.

دومین عامل «برون - روستایی» مربوط به افزایش روز افزون حجم سرمایه‌گذاری‌ها در درون و جوار شهرهای بزرگ در تمام زمینه‌های تولیدی و خدماتی، و بعضاً هم در زمینه‌های تولیدی و خدماتی مرتبط به فعالیت‌های کشاورزی در خارج از محدوده روستاهاست. سرمایه‌گذاری در تأسیس دامپروری‌ها، مرغداری‌ها، گلخانه‌ها، گرمخانه‌ها و سردخانه‌ها و نیز سرمایه‌گذاری در ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولید ماشین‌ابزار و نهاده‌های کشاورزی، و همچنین سرمایه‌گذاری در تأسیس کارگاه‌ها و کارخانه‌های فرآوری و بسته‌بندی محصولات کشاورزی در حواش شهرها و شهرک‌های اقماری از جمله این موارد است. افزایش حجم و موارد این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های کشاورزی، انهم در مناطق «غیرروستایی» عملاً به مفهوم ایجاد انگیزه و یاتسهیل روند مهاجرت از روستاها به مناطق شهری و شهرک‌های صنعتی است. بدین لحاظ می‌توان اظهار داشت که حل و عوامل برون - روستایی هریک به تنهایی یا مشترکاً، و یا توأم با هائل و عوامل درون - روستایی، سبب تحلیل و تخلیه و نتیجتاً امحاء روستاها در نقاط مختلف کشور شده و می‌شوند.

آثار، شواهد و مشاهدات مستقیم در مجموع مبین این واقعیت تلخ است که روند تحلیل، تخلیه و امحاء روستاها گسماکنان ادامه دارد. از لحاظ آماری، باتوجه به مقایسه‌ای که از تفاوت تعداد روستاهای محو شده (۳۳۴۱) با تعداد آبادی‌های اضافه شده (۳۶۳۶) به عمل آمد، مجدداً تکرار می‌شود که هرچه از تعداد روستاهای دارای سکنه کاسته می‌شود، به تعداد آبادی‌های بدون خانوار بهره‌بردار اضافه می‌گردد. و این درحالی است که در بیشتر موارد به علت غنی و اقتصادی، امکان استقرار واحدهای بهره‌بردار جدید در این قبیل روستاهای تحلیل رفته و تخلیه شده و نامقدور بوده است.

تحلیل و تخلیه تدریجی روستاها یعنی کاهش تولید در نظام‌های بهره‌برداری سنتی کشاورزی، یعنی کم استفاده ماندن و پایلا استفاده ماندن منابع قابل ملاحظه‌ای از زمین و آب و مراتع روستاهای تخلیه

شده که سالهای سال برای تولید - حداقل در حد تامین نیازهای اولیه روستاییان تولید کننده در همان روستاها - مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. و بدین منوال، تحلیل و تخلیه روستاها یعنی کاهش تعداد مولدان اصیل، مجرب، کم توقع و سودمند جامعه روستایی و همزمان با آن، یعنی افزایش تعداد مصرف کنندگان «صرف» پرتوقع در جوامع شهری.

درعین حال، افزایش تعداد آبادی های خالی از سکنه یعنی تحلیل و تخلیه روستاهای دارای سکنه قدیم، یعنی استمرار و افزایش روند مهاجرت روستاییان، یعنی روی آوری ساکنین روستاهای تخلیه شده به شهرها، یعنی تحمیل فشارهای تازه برشهر و شهرنشینان، ... و مالاً یعنی تهدید امنیت غذایی روزافزونی که کشور در حال و آینده با آن مواجه است. و همه اینها هم یعنی معضلاتی ناشی از معضل بزرگ تحلیل، تخلیه و انحاء روستاها در فرآیند توسعه همه جانبه کشور.

و اینک این مساله مطرح است که: چه باید کرد؟

اگرچه مقابله با این پدیده زیانبار مستلزم درگیر شدن دولت در فرآیندی پیچیده و دشوار است، ولیکن مصالح ملی ایجاب می‌نماید که عمیقاً به آن پرداخته شود. لازمه ورود به چنین فرآیندی هم مبادرت به انجام یک سلسله اقدامات اساسی است. دراین مقاله فقط به سرفصل مواردی اشاره می‌شود که در عداد اقدامات اساسی، مقدمه آغاز این فرآیند تلقی می‌گردند:

- ۱ - اعلام عزم قانونی دولت برای ادامه حیات روستاها و حمایت همه جانبه مستمر و جدی از میلیونها واحد تولیدی در نظامهای بهره‌برداري «خرده - دهقانی» کشاورزی در هزاران روستای کشور.
- ۲ - اعلام «نهضت توسعه و عمران روستایی» به عنوان مقدمترین استراتژی توسعه ملی.
- ۳ - ایجاد بستر قانونی برای تاسیس شکل‌های صنفی روستایی و حرفه‌ای کشاورزی در مناطق روستایی کشور.
- ۴ - سرمایه گذاری برای احیاء حفاظت و بهره‌برداری اصولی از منابع خاک و آب در واحدهای خرده - دهقانی.
- ۵ - سرمایه گذاری برای ایجاد و اشاعه تکنولوژی‌های مناسب توسعه

کشاورزی پایدار در روستاها.

۶ - افزایش سرمایه‌گذاری در ایجاد و توسعه صنایع جنبی کشاورزی در مناطق روستایی

۷ - حمایت مستمر از گسترش صنایع دستی در مناطق روستایی

۸ - توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مناطق روستایی

۹ - کوشش در کاهش شکاف فرهنگی بین شهر و روستا از طریق ایجاد و توسعه تسهیلات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی

۱۰ - کوشش در ایجاد و افزایش رونق زندگی روستایی از طریق ایجاد و توسعه امکانات رفاهی، مواصلاتی، ارتباطی، انتظامی، اعتباری، مالی و اداری.

### فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - زنجانی، دکتر حبیب‌الله: «مطالعات تحول و جمعیت در طرح ریزی کالبدی ملی»، ص ۷، نشریه‌های شماره «دار سوزی استانی»، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، سال ۱۳۷۱، تهران
- ۲ - شهیازی، دکتر اسماعیل: «مکان شناسی روستایی (تاسیس روستاهای جدید)»، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، بنیاده مسکن انقلاب اسلامی، خرداد ماه ۱۳۷۳، تهران
- ۳ - قهرشاهی، ارسلطو: «عمران روستایی ایران»، پایان نامه دکترتی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، تهران
- ۴ - مرکز آمار ایران: «بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران، برآورد جمعیت و متوسط رشد سالانه از ۱۲۶۰ تا ۱۳۲۱ شمسی»، مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۵۵، تهران
- ۵ - مرکز آمار ایران: «سالنامه آماری کشور ۱۳۷۰»، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۷۱، تهران
- ۶ - مرکز آمار ایران: «فرهنگ آب‌های کشور براساس سرشماری ۱۳۵۵»، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۰، تهران
- ۷ - سلام: «سرشماری کشاورزی»، روزنامه شماره ۷۲۶، یکشنبه ۱۳۷۲/۸/۳۰، صفحه ۷، تهران.







## سیستم آبیاری زیر زمینی ترازا

- ⊙ اتصالات ساده
- ⊙ کار کردن با فشار کم آب
- ⊙ مانع نبودن عملیات ماشین آلات کشاورزی
- ⊙ استهلاک و هزینه نگهداری به صفر می رسد
- ⊙ قابل نصب در خاکهای گوناگون با شیبهای مختلف
- ⊙ برای هر نوع گیاه و شرایط آب و هوایی مناسب است
- ⊙ از بین رفتن کامل علف هرز
- ⊙ افزایش محصول تا دو برابر
- ⊙ کاهش مصرف آب ۶۴٪
- ⊙ عبور دادن املاح و انتقال کود بدون گرفتن رسوب
- ⊙ حفظ رطوبت بصورت بگنواخت برای هر نوع کشت

